

در بند کولا

آوردگاه راهبردی اسپهبدان تبرستان در برابر اعراب*

سامان توفیق**

دکترای باستان‌شناسی و مدیر پروژه غار-دژ اسپهبد خورشید مازندران
samanqaren@gmail.com

بهمن فیروزمندی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد مرتضایی

دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2018.15372.1688
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰
(از ص ۱۲۳ تا ۱۴۰)

چکیده

*. این نوشتار برگرفته از رساله‌ی دکترای سامان توفیق به نام «غار-دژ اسپهبد خورشید» است.

در اقلیم کوهستانی ایران زمین، داشتن تنگ یا دربند، به‌ویژه در هنگام مواجهه با لشکریان انبوه، امتیازی ویژه و حتی برگ برنده محسوب می‌شد. «دربند» یا «تنگ» به معبری باریک اطلاق می‌شد، که از میان دو کوه با دیواره‌های بلند بگذرد و با ایجاد بند دفاعی و استقرار تیراندازان و سربازان در بالا در دو سوی تنگ، از آن پاسداری می‌شد. از نامی‌ترین و راهبردی‌ترین دربندهای تاریخ‌ساز ایران، می‌توان به دربند کولا در تبرستان اشاره کرد، که دروازه‌ی ورود به کوهستان قارن و شروین بود و در پایان دوره‌ی ساسانی و سده‌های نخست چیرگی اعراب، آوردگاه و کانون کشمکش‌های اسپهبدان تبرستان با سپاهیان اموی و عباسی گردید. اینک اما جایگاه دربند کولا بر ما آشکار نیست و در دهه‌های گذشته، کوشش پژوهشگران و نظریات پراکنده برای روشن نمودن موضع این جای نام، راه به جایی نبرد. مهم‌ترین پرسش این پژوهش این است که دربند کولا کجاست؟ بنابراین هدف بنیادی این پژوهش، شناسایی این جایگاه گمشده در هزارتوی تاریخ است، که با بهره‌گیری از بررسی میدانی، مطالعات جغرافیای تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی از میان گزینه‌های احتمالی انجام پذیرفت. با توجه به فقدان منابع در مورد دربند کولا، نگارندگان با کنکاش در متون تاریخی به زحمت سطور مرتبط با این جای نام را یافته و در رسیدن به جایگاه این دربند از آن بهره جستند. همچنین با بررسی‌های میدانی، دربندهای کهن و راهبردی در پهنه‌ی البرز شرقی در بخشی که در حوزه‌ی مازندران است، شناسایی شد، تا با مطابقت با نشانه‌های داده شده از متون تاریخی، امکان تطبیق با دربند کولا بررسی گردد و پدیده‌ی ابهام در مورد جایگاه این دربند برداشته گردد.

کلیدواژگان: تبرستان، سوادکوه، دربند کولا، اسپهبدونداد هورمزد.

مقدمه

از دیرباز استحکامات دفاعی، ساختارهای اساسی شهرها و آبادی‌ها بوده که نقشی کلیدی در ادامه‌ی حیات و بقای جوامع و حکومت‌ها داشته و از لحاظ شکل پیدایش به سه گروه طبیعی، دست‌ساخته‌ی انسانی، و دسته‌ی سوم که تلفیقی از هر دو هستند، می‌توان بخش‌بندی نمود. از منظر گوناگونی، استحکامات دفاعی را به این گونه‌های اصلی دسته‌بندی می‌نماییم؛ الف- دژها و قلاع، برج‌های آتش (میل‌های راهنما). ب- تغییر بستر رودها، ایجاد خندق‌ها و آب‌بندان‌ها. پ- غارها (اشکفت، مگاک). ت- تونل‌ها و مخفی‌گاه‌های زیرزمینی. ث- تدابیر بازدارنده با بهره‌گیری از جنگل، بیابان، کوه و تعبیه تله‌های مکانیکی در آن‌ها. د- راه‌ها و بیراهه‌ها، دره‌های استراتژیک، تنگ (دربند) و ایجاد سد (دیوار، بند).

در اقلیم کوهستانی ایران زمین، داشتن تنگ یا دربند، به‌ویژه در هنگام مواجهه با لشکریان انبوه، امتیازی ویژه و حتی برگ برنده محسوب می‌شد. «دربند» یا «تنگ» به معبری باریک اطلاق می‌شد، که از میان دو کوه با دیواره‌های بلند بگذرد و با ایجاد بند دفاعی و استقرار تیراندازان و سربازان در بالا در دو سوی تنگ، از آن پاسداری می‌شد. این تنگ‌ها به دلیل ممانعت از ورود لشکریان به داخل سرزمین تبرستان، در حفظ جداسری و استقلال این بخش از ایران در ادوار مختلف، به‌ویژه مدت دو سده پس از تازش و تجاوز اعراب به ایران‌شهر، نقشی بنیادی ایفا می‌کرده است. تقریباً تمامی مبادی ورودی به سرزمین‌های پشت رشته‌کوه البرز، این تنگ‌ها و دربندها بود، که به‌شدت توسط استحکامات دفاعی پشتیبان و مکمل، نظیر: قلاع، برج‌های دیدبانی و ادوات دفاعی، نگاهبانی می‌شد؛ با این حال، باید اظهار داشت که متأسفانه، تاکنون هیچ نوشتار یا پژوهشی خاص در این ساختارهای طبیعی یا انسانی نشده است.

مهم‌ترین تنگ تبرستان، دربندی به نام «کولا» بود، که سال‌ها در بین محققان و پژوهشگران جغرافیای تاریخی و مورخان و باستان‌شناسان جایگاه درست آن ناشناخته بود. تنگ کولا، آوردگاه اسپهبدان تبرستان؛ نقشی تعیین‌کننده در نبردهای سرنوشت‌ساز شاهان تبرستان، به‌ویژه در صدر اسلام و نگاهداشت جداسری این بخش از جبال البرز را ایفا می‌کرد. در این دربند، نبردهای اسپهبد و نداد هورمزد قارن با لشکریان سیاه درفش خلفای عباسی، رخداد و اسپهبدونداد هورمزد با شجاعتی بی‌مانند و تدابیر نظامی، «فراشه» سردار عرب و لشکریانش را در این تنگ گرفتار کردند و سر فراشه به دارالخلافه به نشانه‌ی خط و نشان برای خلیفه فرستاده شد. در گذر روزگار، این تنگ سرنوشت‌ساز به تاریخ پیوست و کوشش برخی از پژوهشگران حوزه‌ی تاریخ تبرستان برای شناخت این جای نام، بی‌بار بوده و مستندات که ارائه دادند، از ابهامات موجود نکاسته است و موضع دقیق این تنگ مورد مناقشه هست. نگارندگان این ضرورت را دیده، در نوشتاری جداگانه به تفصیل به یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین، دربندهای باستانی این سرزمین بپردازند و مستندات خود را ارائه نمایند و نوشتار پیش‌رو، برآمد بررسی‌ها و کوشش‌های انجام گرفته برای یافتن دربند کولا است.

پرسش‌های پژوهش: ۱- با استناد به یافته‌های باستان‌شناختی و توصیفات مورخان کدام تنگ را می‌توان به‌عنوان دربند کولا در نظر گرفت؟ ۲- با توجه به وجوه تسمیه‌ی دربند کولا، آیا می‌توانیم امروزه جای نامی را با این مشخصات، در پهنه‌ی استان مازندران بیابیم؟

روش پژوهش

این نوشتار در دسته‌ی پژوهش‌های بنیادی جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرد، که از داده‌ها بر پایه‌ی بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی (شناسایی، بررسی و مستندسازی) و گردآوری و موشکافی متون تاریخی و جغرافیایی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. نگارندگان با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، سرخ‌های پیوسته و گزینه‌های محتمل با جستار را یافته و پس از بازدید و بررسی میدانی، میزان انطباق منابع تاریخی با شواهد باستان‌شناختی و جغرافیایی را سنجیده، به برآیند پایانی برای جایگاه دربند کولا رسیدند.

پیشینه‌ی پژوهش در باب دربند کولا

نخستین اشاره به دربند کولا در کتاب *تاریخ تبرستان* نوشته شده، در تاریخ ۶۱۳ هـ.ق.، در روایت سرگذشت اسپهبد خورشید است، که طاق عایشه کرگیلی دز را بالای دربند کولا در راه آرم می‌داند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۷۶). سید ظهیرالدین مرعشی، دربند کولا را به راه زارم که در هزارجریب است، می‌داند (مرعشی، ۱۳۳۳: ۳۴).

علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین لاهیجی، از کوله‌دره نزدیک حدود فیروزکوه نام می‌برد (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۶۸).

میرتیمور مرعشی، از مسدود ساختن تنگه سرکلاه به‌وسیله‌ی محمد دیو تا رسیدن مردم فیروزکوه و حبلرود [هبله‌رود] به مدد خبر داده است (مرعشی، ۱۳۶۴: ۳۶).

لویس هایسینت رابینو، از «کولا» ضمن برشمردن دهات جنوب ساری در بخش گلپجان رستاق نام می‌برد و در توضیحات به قصر عایشه کرگیلی دز، در نزدیکی جاده‌ی آرم بر سر دربند کولا اشاره می‌کند (رابینو، ۱۳۴۳: ۱۸۵).

علی باباعسکری اشاره‌ای مبهم به جایگاه دربند کولا دارد؛ «تنگه‌ای ست هولناک و عمیق و دارای جداره‌های سنگی که رود تجن از آن عبور می‌کند» (عسکری، ۱۳۵۰: ۱۳۹).

درویشعلی کولائی‌ان در تارنمای شخصی‌اش معتقد است؛ «تنگه لته در نزدیکی پایین کولای ساری، در جاده کیاسر-دامغان همان تنگ کولا است. تنگه کولا واقع در شش کیلومتری جنوب ساری امروز و حوالی پلی بر روی تجن است، پلی که به «پل پایین کولا» یا «پل تنگه لته» شهرت دارد (کولائی‌ان، تارنمای شخصی).

سامان سورتیجی، بی‌آن‌که موضع تنگ کولا را مشخص کند، با بیان این‌که روستای کولا در جنوب ساری، سفلی آن بردشت و علیای آن روی چند تپه‌ی کم ارتفاع قرار دارد و قابلیت ایجاد دربند را نداشته، نظریات درویشعلی کولائی‌ان را رد می‌کند (سورتیجی، ۱۳۸۱: ۴۷).

اسمعیل مهجوری و اردشیر برزگر هم در آوردن روایت ابن اسفندیار در داستان اسپهبد خورشید، اشاره‌ای به کولا نمی‌کنند و دژ عایشه کرگیلی دژ را با دژ کوزا یکسان می‌دانند (مهجوری، ۱۳۸۱: ۸۱؛ برزگر، ۱۳۸۸: ۲۸۴).

حسن حجازی‌کناری، وجه تسمیه‌ی کولا را (لای کوه) یا (میان‌کوه) و کولا را از نواحی پریم می‌داند، اما در مورد مکان دربند کولا نظری ندارد (حجازی‌کناری، ۱۳۷۲: ۲۰۲).

منوچهر ستوده، البرز پژوه و ایران‌شناس فقید، در کتاب *از آستارا تا استراباد* (جلد چهارم)، که حاصل بررسی‌های پیمایشی ایشان با ایرج افشار، ایران‌شناس فقید در دهه‌ی ۶۰ ه.ش. در این صفحات است؛ در روایتی که از قول ابن اسفندیار آورده، دربند کولا را می‌بینیم، شرح یا اشاره‌ای در پاورقی در مورد این جای نام نمی‌دهد (ستوده، ۱۳۷۵: ۴۶۱). اما در کتاب *استوناوند* با برشمردن بندهای هفت‌گانه که از دژ استوناوند هبله‌رود تا ویمه فیروزکوه، نام‌برده، پس از بند هفتم می‌نویسد: «راه از اینجا در دشت پهناور فیروزکوه می‌افتاد و سرانجام به «گدوک فیروزکوه» می‌رسید و از تنگه‌ی کولا سرازیر می‌شد و در کنار رودخانه‌ی تالار به چمنو=علی‌آباد=شاهی=قائم‌شهر می‌رسید (ستوده، ۱۳۶۷: ۸۲).

با این توصیفات، استاد ستوده، این دربند را در حدفاصل گدوک به دوآب سوادکوه در راه اصلی تهران-قائم‌شهر می‌داند. البته این مسیر خود دربند و معبری کوهستانی و باریک محسوب می‌شود، که زنجیره‌ای از سازه‌های پدافندی و راهداری باستانی در آن وجود داشت و مهم‌ترین تنگه‌های این مسیر، تنگ دوگل، تنگ چهل‌در، تنگ اوریم، تنگ سرخ‌آباد، تنگ ارزنگ رودبار و تنگ دوآب هستند و مشخص نیست ستوده کدام یک از این تنگ‌ها را تنگه کولا دانسته است؟!

همچنین نگارنده (اول)، نظریاتی مبنی بر جایگاه این دربند، در دوآب سوادکوه و جوار غار-دژ اسپهبد خورشید مطرح نموده است (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به: توفیق، ۱۳۹۵: ۱۳).

دربند چیست؟

دربند یا تنگه، به مکانی محصور میان دیواره‌های عمودی کوه و معبری باریک که دو سوار در کنار هم نتوانند با هم گذر کنند، اطلاق می‌شد. این دربندها عمدتاً دارای استحکامات دفاعی بود و با تکیه بر امتیاز راهبردی بالای این دربندها، سرنوشت جنگ به نفع مدافعان تنگ، رقم می‌خورد؛ زیرا برخلاف دشت و بیابان، این تنگ‌ها از ورود سریع و پُر تعداد سواره‌نظام دشمن جلوگیری می‌کردند و امکان کمین و پیروزی تعداد خیلی از جنگاوران، بر علیه لشکریان را ممکن می‌ساخت. در کتاب *آداب الحرب و الشجاعة* (باب هفدهم) در باب اندر اختیار کردن زمین مضاف و جنگ جای، توضیحاتی آورده شده که «زمین حربگاه نیک فراخ باید که مثلاً اگر صدهزار سوار باشد همه در آن بگنجد و کار بتواند کرد و یک استادی و کفایت و کاردانی پادشاه و لشکرکش زمین حربگاه شناختن است...» (فخرمدبر، ۱۳۴۶: ۳۱۷).

► جدول ۱. منابع اشاره شده به دریوند کولا و موقعیت آن (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شماره	نام منبع یا کتاب	نام نگارنده	تعیین جایگاه دریوند کولا
۱	تاریخ طبرستان	بهاء الدین محمد ابن اسفندیار	به راه آرم بالای طاق عایشه کربلی دژ
۲	تاریخ طبرستان و رویان و مازندران	سید ظهیرالدین مرعشی	به راه زارم که در هزارجریب
۳	تاریخ خانی	علی بن شمس الدین لاهیجی	کوله دره نزدیک حدود فیروزکوه
۴	تاریخ خاندان مرعشی	میرتیمور مرعشی	در پهنه‌ی سوادکوه
۵	سفرنامه‌ی مازندران و استراباد	لویس ه. رابینو	در جنوب ساری
۶	بهبهر (اشرف البلاد)	علی بابا عسکری	در مسیر رود تنج در پیرامون ساری
۷	استوناوند؛ دژی که سه هزار و هشتصد سال از قدمت آن می‌گذرد.	منوچهر ستوده	حدفاصل گدوک به دواب سوادکوه
۸	تاریخ تبرستان پیش از اسلام	اردشیر بزرگر	در پیرامون گوگلی دژ
۹	تاریخ مازندران	اسمعیل مهجوری	پایین دژ کوزا در راه آرم
۱۰	در صفحه تاریخ‌های شخصی	درویشعلی کولاتیان	تنگه لته در پایین کولای ساری = تنگ کولا
۱۱	قلاع باستانی مازندران	سامان سورتیچی	رد نظر درویشعلی کولاتیان - جایگاه نامشخص؟
۱۲	گزارش پروژه؛ بررسی و مستندسازی باستان‌شناسی غار-دژ اسپهبد خورشید سوادکوه مازندران	سامان توفیق	در شرق و پایین دست غار-دژ اسپهبد خورشید سوادکوه در تنگه دواب به خطیرکوه

وجوه تسمیه‌ی واژه‌ی «کولا»^۱

در بررسی‌های جغرافیایی شناخت و تحلیل وجوه تسمیه در واکاوی و کشف یک مکان گمشده، نقشی کلیدی دارد. در مورد «کولا» هم، گمانه‌زنی‌ها و تعابیر زیادی وجود دارد. حجازی‌کناری، با توجه به توصیفات ابن اسفندیار، می‌نگارد: «(کولا) از دو جزء «کو» مخفف «کوه» و «لا» یا «لای=لان» ساخته شد. جزو اول کلمه، همان «کوه» می‌باشد که حرف «ها» در تلفظ محلی حذف شد. جزء دوم کلمه، در فارسی به معنی: جا، مکان، میان، غار یا مگاک، شکاف کوه است. «کولا»، با توجه به توصیف ابن اسفندیار و موقعیت طبیعی و توجیهی که شده، ناحیه‌ی کوهستانی است که دارای مگاک و شکاف بوده و خود کوه نیز در میان کوه‌های دیگر جاگرفته است. چون یکی از معانی «لا» (وسط) و میان می‌باشد می‌توان «کولا» را «لای کوه» یا «میان کوه» دانست، یعنی کوهی که دارای مگاک بوده و در میان کوه‌های دیگر قرار گرفته است؛ مثلاً، «میان کوه» در قبال «پشتکوه» یا در مقابل «پَر کوه = پیشکوه». نام «کولا»، با «کولاب» که هماهنگ آن ست یکی نیست، چه «کولاب» را به معنی «مرداب» گرفته‌اند. کولا از نواحی پریم است» (حجازی‌کناری، ۱۳۷۲: ۲۰۲-۲۰۳).

«بولا»^۲ نام دیگری است، با همان وزن و شکل، که نام یکی از آبادی‌های پریم بود، که در اثر زلزله‌ی سال ۷۰۰ ه.ق.، مدفون و ناپدید شد و جنگل بولا که پناهگاه اسپهبدان تبرستان در هنگام استیصال از یورش بیگانگان بود، در پایین دست رشته‌کوه «خرو نرو» در شرق سوادکوه برجای است.

همچنین نام دیگری که در ذهن شباهت زیادی با کولا دارد، نام «سولا»^۳ است، که رودی در پایین دست غار-دژ اسپهبد خورشید در دره‌ی دواب-خطیرکوه است، که از ارتفاعات منطقه‌ای به نام «سولا» در آسران، چاشم و دربند کلیس سرچشمه می‌گیرد. روایتی است که نام این منطقه از سرداری رومی «کورنلیوس سولا»^۴ گرفته شده، که هنگامی که به صدروزه آمده بود، باهمسرش مدتی در اینجا زیست و این فرد به تپورها که در این حدود با اقوام «آماردی» مازندران درگیر بوده‌اند، یاری رساند؛ سپس در راه بازگشت به موطن خود جان سپرد. به پاس خدمات بسیاری که به مردم آسران نموده بود، نامش بر این منطقه گذاشته شد.

اگر بتوان گمانی دیگر برای واژه‌ی کولا بیان کرد، این ست که «کولا= کول +ها» را بدانیم. در دامنه‌های البرز، کول به «چم»؛ برآمدگی، شانه، بلندی (کوه یا تپه) هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و در جمع کول‌ها می‌شود، که منظور کوه‌ها و بلندی‌ها فشرده و قُلل پرتعداد این کوهستان است، که حرف «ه» در ادای کلمه در گویش تبری، حذف گردیده و حرف «ا» مانده و واژه‌ی کولا گشته است.

یک اسطوره‌ی بسیار کهن سکایی نیز نشان‌دهنده‌ی تقسیم کشور میان سه فرزند است. هرودوت در کتاب چهارم از تاریخ خود، افسانه‌ای از سکاها نقل کرده که عناصری از آن با داستان ایرانی تقسیم جهان نزدیکی دارد؛ بنابراین افسانه، تارگیاتوس، نخستین بشر و فرزند زئوس، سه فرزند به نام‌های «لیپو»، «آریو» و «کولا» داشت. کولا کشور خود را میان سه پسر خویش تقسیم کرد و بخش اصلی را به کهنترین فرزند داد (کویبر، ۲۰۱۱: ۱۶۲).

درویشعلی کولائیان، پژوهشگری که مقالات و نظریاتی در باب داشتن اصلیت هندی بخشی از مردمان مازندران (جنوب ساری) دارد، با همان نگاه، وجه تسمیه‌ی «کولا» را این‌گونه می‌نویسد: «معنای سنسکریت واژه‌ی کولا، جالب توجه است. هم به معنای روستایی خانوادگی و هم به معنای کاستی والا و خاندانی برجسته و هم به معنای قشون است»^۵ (کولائیان، تارنمای شخصی).

جغرافیا، پیشینه‌ی تاریخی و نقش راهبردی دربند کولا در تحولات سیاسی تبرستان
واژه‌ی کولا، با این ساختار، امروزه نام دهی است در دو قسمت، به نام‌های «پایین کولا» و «بالا کولا» که در جلگه‌ی جنوب خاوری شهر ساری در مسیر منتهی به کیاسر و استان سمنان واقع شده است و پیشینه‌ی تاریخی قابل توجهی هم دارد؛ اما ارتباط آن با دربند کولا که در کوهستان بوده، نامشخص است و شاید این تشابه اسمی اتفاقی بوده باشد.

نخستین و بیشترین اشاره به کولا و دربند کولا را در کتاب *تاریخ تبرستان* می‌بینیم، که به دست «بهاء‌الدین محمد ابن حسن ابن اسفندیارکاتب» در ۶۱۳ ه.ق. تألیف شده است. به دفعات به جای نام‌های کولاً^۶، دربند کولاً^۷، مسلحه‌ی کولاً^۸، سرتنگه‌ی کولاً^۹ و نام باکالیجارکولاً^{۱۰} یا کولاوچ^{۱۱} که انتساب اشخاص به کولا را نشان می‌دهد، اشاره شده است و سایر متون تاریخی برگرفته از روایات ابن اسفندیار هستند. پس بیشترین سرنخ‌ها در شناسایی این جای نام‌ها، واکاوی روایات ابن اسفندیار است: «از باو کودکی ماند سهراب نام با پیرمادری، متواری بدیه دزانگنار ساری فرو نشستند. بخانه‌ی باغبانی و جمله‌ی مردم طبرستان بر ولاش بیعت کرده بودند. جز مردم کولا، خورزاد خسرو نام اسفاهی دید بخانه‌ی این باغبان هشت ساله کودکی دید، درو نگرید، گفت این پسرک از آن کیست، گفتند از آن ماست، قبول نکرد، بدانجا رسید که راست بگفتند، او را و مادر را برگرفت و با کولا برد، قوم آن نواحی برو جمع شدند و مردم کوه قارن یاری داده ناگاه شبیخون بینجاه هزار آوردند و ولاش را گرفته بدو نیم زده و هر کرا دریافتندی از آن جماعت، و سرخاب را بپریم بردند و بشاهی نشانند، ...» (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۵۶).

در اینجا نامی از دربندکولا نیست، اما از دزانگنار ساری، کولا، کوه قارن، پنجاه هزار و پریم سخن به میان آمده، که در ابتدا باید مکان جای نام‌ها را روشن نماییم تا بتوانیم به جایگاه کولا برسیم.

باید اشاره کرد، که گستره‌ی کوه قارن در آغاز هم‌سنگ با رشته‌کوه البرز بود و جای‌گزینی برای جای نام «پتشخوارگر» در میانه‌ی دوره‌ی ساسانی گشت. کوه قارن در سده‌ی نخست اسلام رفته‌رفته به بخش‌های کوه شروین، شهریارکوه، آسران رستاق، هزارگری، سوات‌کوه، و ندهرمزکوه، اومیدوارکوه، پیروزکوه و... گشت، که البته کوه قارن در زمان نگارش ابن‌اسفندیار (قرن هفتم)، همان کوهستان هزارگری (هزارجریب) می‌شده است.

همچنین به پنجاه هزار که کاخ ولاش از دودمان زرمهری آل قارن بود، شبیخون زدند و این یعنی کولا در مجاورت پنجاه هزار قرار داشته، که در خفا و پنهانی و ضربتی به کاخ ولاش یورش برده‌اند. پنجاه هزار باستانی، از غرب به میاندورود، از جنوب به هزارجریب و از شمال به بهشهر کنونی تا گلوگاه را شامل می‌گشت. امروزه بخشی از آن گستره‌ی تاریخی، با نام پنجاه هزار در حدفاصل بهشهر-گلوگاه باقی مانده است. پریم هم در دوانگه قرار داشت و امروزه بخش محمدآباد، خشتستان، کرچا، ورمزآباد و بسیاری از آبادی‌های متروک و فراموش شده، پریم باستانی را تشکیل می‌دادند.

از روایت ابن‌اسفندیار در مورد حدود و پیرامون کولا به نشانه‌ایی پی بردیم، و این‌که که کولا در کوهستان نبود. در تاریخ خاندان مرعشی از عزیمت «میرحسین خان عم زاده‌ی میر علی خان» به ساری از راه کلیجان رستاق و ملازمت لهراسب دیو حاکم سوادکوه در عهد صفوی نوشته شده، که: اما لهراسب دیو میرحسین خان را به رودبار کولا آورد. الوند دیو و شاهی ابتر استقبال کردند. آن شب در کولا مکث نموده روز دیگری در میدان ساری نزول فرمودند تا آن‌که در ساعت سعد داخل ساری شوند (مرعشی، ۱۳۶۴: ۲۸۶-۲۸۷). از این روایت در می‌یابیم که، رودبار به چم جلگه و دامنه‌ی کوه تعبیر می‌شود و رودبار کولا در راه کلیجان رستاق و مجاورت ساری بوده و در برآیند نهایی این‌که، رودبارکولا همین منطقه‌ی پایین کولای امروزی در جنوب شهر ساری است.

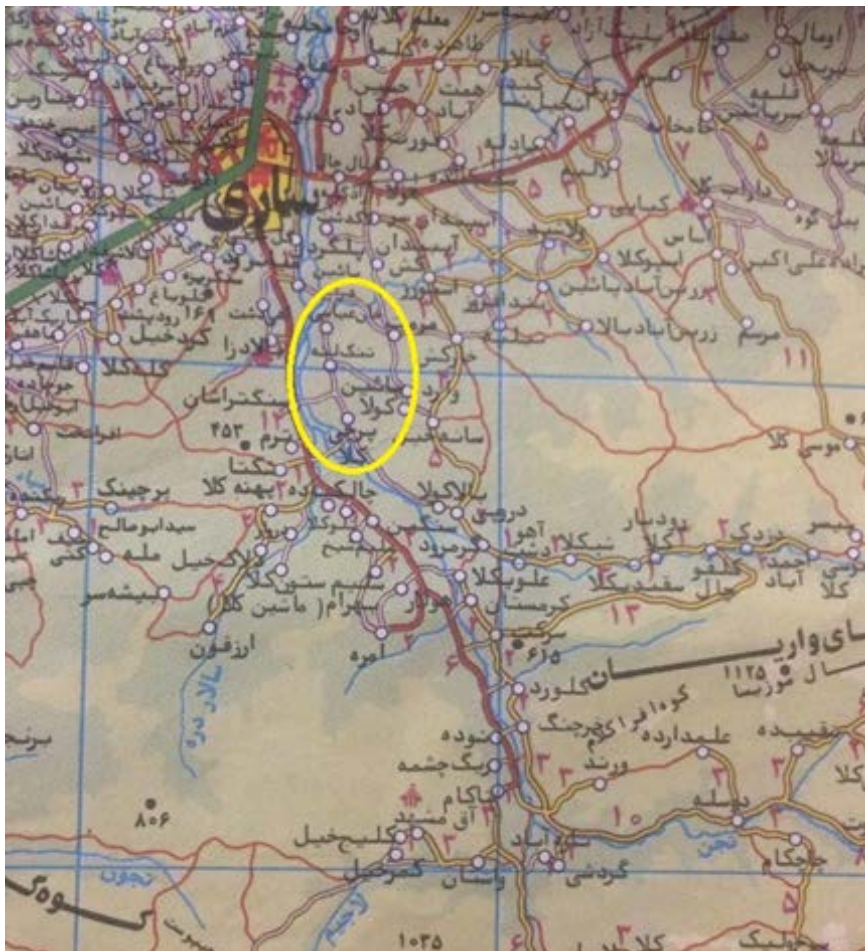
«دزانگنار» (دژ+انگنار)^{۱۲}، چنین نامی امروزه شناخته نشده و نزدیک‌ترین جای نام با انگنار، روستایی با نام انگفام در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی ساری است، در همان راه ساری به کیاسر است.

در تاریخ تبرستان به مسلحه‌ی کولا اشاره شده که سیصد سپاهی در آن [مسلحه کولا] مستقر بودند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۷۸). منظور از مسلحه، همان «سربازخانه» و عوام این استحکامات را «قلعه» می‌نامند. مسلحه‌ی کولا با قلعه‌ی پرچی کلا یا یکی از قلاع راهبانی منطقه‌ی در سانه خیل، پایین کولا تا منطقه‌ی دزا مطابقت می‌کند.

کولاییان معتقد است؛ تنگه لته در نزدیکی پایین کولای ساری، در جاده کیاسر- دامغان همان تنگ کولا است، و می‌نویسد: «تنگه‌ی کولا واقع در شش کیلومتری جنوب ساری امروز و حوالی پلی بر روی تجن است، پلی که به «پل پایین کولا» یا

«پل تنگه لته» شهرت دارد. فاصله‌ی زیاد دماغه‌های تنگه به دلیل گشادگی دهانه، تشخیص تنگه را از سمت شمال آن، کمی دشوار می‌کند. ریزش مداوم دیواره‌های خاکی باعث فراخی بیش از حد تنگه شده است. در واقع طغیان‌های تجن و اختلالات ناشی از شبکه‌های آبیاری، باعث رانش و ریزش دیواره‌های خاکی شده است. طول تنگه زیاد و دهانه‌ی تنگه امروز حدود یک کیلومتر شده است. رودخانه‌ی زارم که چندین فرسنگ طول آن است و از شرق به غرب جریان دارد، از جانب شرقی تجن به این رود وصل می‌شود. «آزم» نام رودی است که به رود زارم می‌ریزد و زارم به‌واقع ادامه‌ی آرم است. محل اتصال دو رود زارم و تجن، در شمال تنگه‌ی کولا [تنگه‌ی لته] است. این محل با تنگه‌ی کولا [تنگه‌ی لته] بیش از یک فرسنگ فاصله دارد (کولائی‌ان، تارنمای شخصی).

در رد نظریه‌ی درویشعلی کولائی‌ان باید بگوییم: نزدیکی با ساری و مسیر مرتبط از طریق تنگ لته به ساری و دامغان، نام کولا در منطقه در روستاهای پایین کولا و بالا کولا، وجود قلعه‌ی پرچی کلا و وجود امتداد دو رود زارم و آرم که اتصال به رود تجن پیدا می‌کند، که ایشان به‌عنوان دلایل انتساب تنگه‌ی لته به دربند کولا می‌دانند، غیرقابل قبول است. منابع تاریخی جغرافیایی همه‌جا در



تصویر ۱. نقشه‌ی شهرستان ساری و موقعیت تنگه‌ی لته (منبع: گیتاشناسی).



► تصویر ۲. تنگ لته (نگارندگان، ۱۳۹۰).

ذکر «کولا» اشاره به کوهستان دارد و اما این روستای کولا در جلگه واقع شده است. فقدان قابلیت دفاعی بالا به دلیل بی بهره بودن از گذرگاه کوهستانی مستحکم و پهنای بیش از اندازه‌ی تنگه‌ی لته نزدیک به ۱ کیلومتر، که امری غیرطبیعی برای معابر و تنگه‌های راهبردی نظامی به شمار می‌رود، از دلایل اصلی رد فرض یکی دانستن تنگه‌ی لته با دربند کولا است. همچنین نبود طاق یا غار پناهگاهی با قابلیت‌هایی که در متون تاریخی شرح داده شده و به عنوان «عایشه گرگیلی دز» از آن نام برده شده و نبود منطقه‌ای به نام «گردآباد» که مجاور دربند کولا بود، نبود دو بند در پایین و بالا و دیگر مستندات که در ادامه می‌آوریم، نادرستی ادعای کولاییان را نشان می‌دهد. با مشخص شدن جای نام کولا و سایر جای نام‌ها، اما دربند کولا کجا قرار دارد؟ اینجا به نقل قول ابن اسفندیار دوباره باید بازگشت کنیم: «اسپهبد خورشید جمله اعزه و اولاد و حرم را با دیگر متعلقان که از خواص و بطانه و معتمدین او بودند با خزانه بالای دربند کولا براه آرم، طاقی است که این ساعت (قرن هفتم هجری قمری) آن را عایشه گرگیلی دز می‌گویند، برد و در آن طاق ده ساله آب در خنپها کرده و غله و نان و دیگر ذخیره معدّ بود و...» (ابن اسفندیار: ۱۷۶-۱۷۷).

آن چه از این روایت برداشت می‌شود، دربند کولا در مسیر دسترسی به آرم، تختگاه کوهستانی اسپهبدان قرار داشت و پناهگاه نزدیکان و اموال اسپهبد خورشید گاو باره، در طاقی دژآسا بود، که در زمان ابن اسفندیار، یعنی حدود ۵ سده‌ی بعد بلااستفاده و متروک، در دست زنی راهزن به نام «عایشه» بود؛ منظور از گرگیلی همان گردنه‌گیری و راهزنی است و «دز» همان «دژ» و «قلعه» است. پس این طاق را «دژ عایشه گردنه‌گیر» در ابتدای قرن هفتم هجری می‌نامیدند. از این نکات پی می‌بریم دربند و طاق، فاصله‌ی چندانی باهم نداشتند و دو نام آرم و طاق عایشه گرگیلی دز، کلید رسیدن به جایگاه دربند کولا هستند.

در تاریخ تبرستان در شرح نبرد اسپهبد و نداد هورمزد با سردار عرب فراشه آمده: «.. و (فراشه) با لشکری انبوه بآرم رسید، و نداد هرمزد فرموده بود که البته هیچ آفریده براه ایشان مایستید و بگذارید تا دلیر شوند و از ما حسابی نگیرند و او با کولا شد و بکوازونو دو دربند کرد یکی زیر و یکی بالا، محکم و استوار، ...» (همان: ۱۸۵). در این روایات چند پرسش کلیدی نهفته است که پاسخ آن‌ها کمک شایانی در شناخت موضع آرم، دربند کولا و کوازونو می‌کند. در گام نخست، این‌که مقر و آوردگاه اسپهبد و نداد هورمزد را مشخص کنیم. ابن‌رسته پایگاه اسپهبد و نداد هورمزد را طبرستان نزدیک دماوند می‌داند (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۷۸) و ابن‌اسفندیار مقر وی را لپور می‌داند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۹۷)؛ پس آرم هم باید در همین حدود سوادکوه تا دماوند باشد. در گام دوم، باید منافذ ورود اعراب به تبرستان را بررسی کرد تا به آرم برسیم. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته و تجربه‌ی ورود اعراب در هنگام نبرد با اسپهبد خورشید، راه ورود لشکر چند ده هزار نفری اعراب به سرکردگی فراشه باید یکی از مسیرهای کوهستانی ذیل باشد.

الف- جبهه‌ی گرگان، که لشکر خراسان باید اعزام می‌شد. این احتمال به دلیل وجود دیوار همیشه و استحکامات دفاعی نامحتمل‌تر بود.

ب- جبهه‌ی قومس به هزارجریب، که خود به دو شاخه دامغان-ساری و شاهکوه و زارم بخش می‌گردد. این راه به دلیل مجاورت در مسیری به خراسان و دشت کویر، گسیل لشکری و نیروی پشتیبانی که در قومس مستقر بود و حتی نیروهای امدادی از خراسان را به داخل تبرستان امکان‌پذیر می‌کرد. شاخه‌های زیادی از راه‌ها و کوره راه‌های کوهستانی به هزارجریب راه می‌یافت و همین امر محافظت و استقرار سربازان را دشوار می‌ساخت. جبهه‌ی قومس دو گذرگاه اصلی داشت؛ نخست، راه راهبردی تنگ باستانی کاورد بود، که از گنداب آغاز و به پرور، کولیم و کاورد و قلعه گردن، به بندین و سپس سعیدآباد کیاسر می‌رسید. و دوم، راه‌های منتهی به هزارجریب بود، که از تنگ شمشیر بُر، پابند و تنگ کوا، تنگ الارزو و شیخعلی تنگه زارم می‌گذشت.

ج- جبهه لاریجان به آمل، که عبور از معبرهای مجاور رود هراز برای لشکر بسیار دشوار و پرهزینه بود و با مقاومت اسپهبد و نداد سپان حاکم جبال پادوسپان و برادر و نداد هورمزد مواجه می‌شدند.

د- جبهه ری به دماوند-فیروزکوه به سوادکوه، این جبهه دو راه دارد. راه نخست کوهستانی و گذرگاه‌های تنگ داشت و زنجیره‌ای از استحکامات دفاعی و سربازخانه‌ها پیش‌روی را دشوار، کند و یا غیرممکن می‌کرد. راه دوم، از فیروزکوه به قومس از میانه‌ی راه، مسیری کوهستانی و سخت گذر وجود دارد، که پس از گذر از سرخ تنگه و تُرود در پایین دست دژ لاژوردی، از پشت با عبور از تنگه‌ی تالاج و دربند کلیس، در نزدیکی چاشم به راه خطیرکوه به دوآب سوادکوه وارد می‌شویم.

با توجه به این‌که مقر اسپهبد و نداد هورمزد در حدفاصل سوادکوه تا دماوند قرار داشت، پس جبهه‌ی ری به سوادکوه، را اعراب برای محاصره و تسخیر، گنام اسپهبد تبرستان، انتخاب کرده بودند و در همین حدود باید به دنبال «آرم» بگردیم.

ابن حوقل می‌نویسد: «جبال بادوسبان به دست رئیسی است که در قریه‌ی «آرم» سکونت دارد و بادوسبان را منبر نیست و از ساریه (ساری) یک منزل فاصله دارد» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۲۰).

یاقوت حموی در *معجم البلدان* آورده است: «آرم خاستِ بالا و آرم خاستِ پایین، دو جایگاه در طبرستان است.

بوسعد گوید: [بوالفتح خسرو پسر حمزه پسر «وَنَدَرین» پسر ابوجعفر آرمی قزوینی ساکن «آرم» شهری نزدیک ساری مازندران، در ادب دستی داشت] «(یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

در *تاریخ طبری* (در جلد سیزدهم)، شرح رخداد‌های مازیار شاه تبرستان و محاصره‌ی سپاهیان خلیفه، اشاره‌ای به آرم و تنگه‌ای در مجاورت آن دارد، که در شرح گفتگوی بین حسن بن حسین فرمانده طاهری لشکر عرب و ابراهیم بن مهران آمده است:

[حسن بن حسین] گفت: «بر نشین.» و چون برنشستم گفت: «راه آرم کجاست؟»

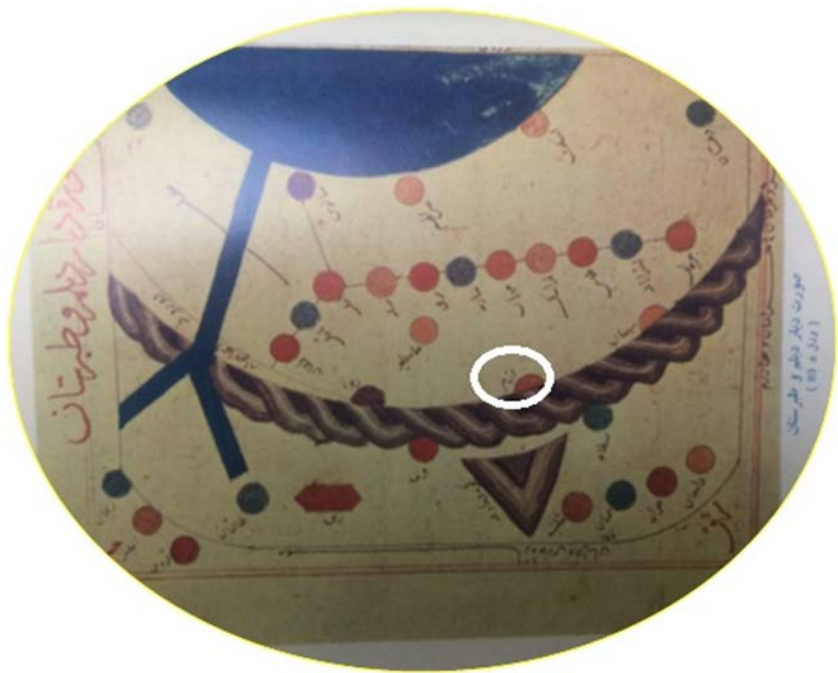
[ابراهیم بن مهران] گفتم: «از این دره.»

[حسن بن حسین] گفت: «پیش روی من برو.»

[ابراهیم بن مهران] گوید: «برفتم تا به تنگه‌ای رسیدم به دو میلی آرم.»

[ابراهیم بن مهران] گوید: «هراسان شدم و گفتم: خدای امیر را قرین صلاح بدارد، این، جایی هول‌انگیز است که هزار سوار کمتر از آن عبور نمی‌کند. رای من این است که بازگردی و درون نشوی» (طبری، ۱۳۵۳: ۵۹۰۹).

در این حوزه، سه جای‌نام با این ساختار وجود دارد؛ نخستین آن، آرم در هزارجریب است، که نام منطقه و رودی در پای کوه سوچلما است. دو، دیگر در



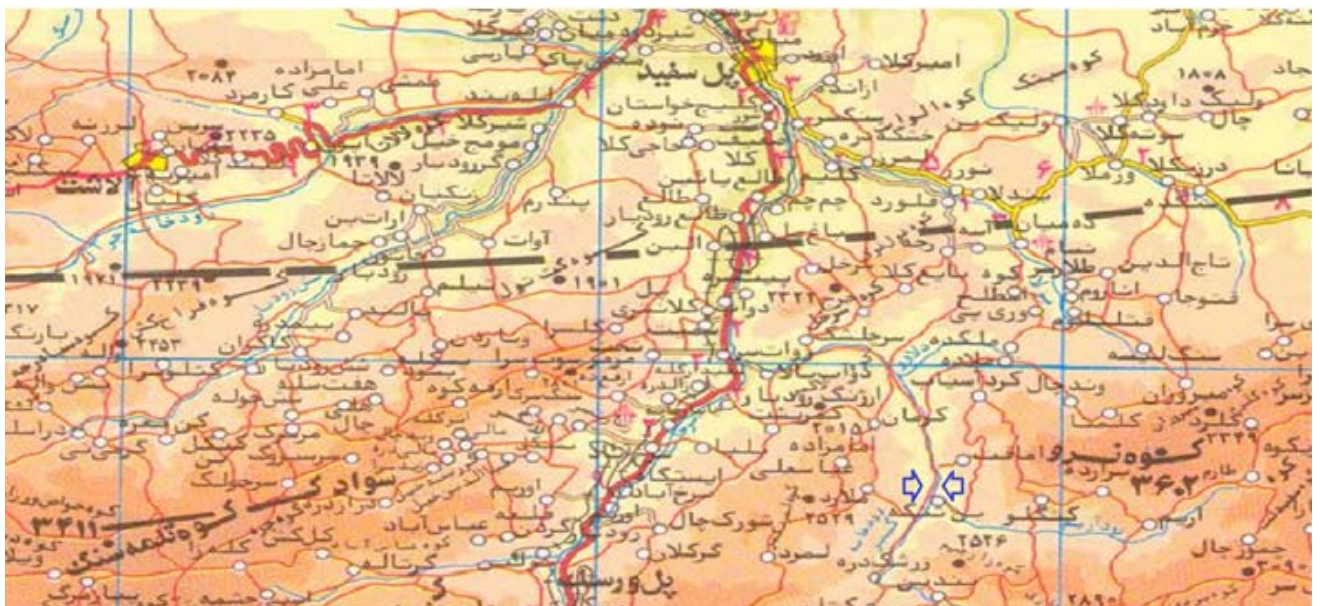
► تصویر ۳. نقشه‌ی طبرستان و موقعیت جای‌نام آرم روی نقشه (برگرفته از: اصطخری قرن ۶/۵ ه.ق.).

گستره‌ی شهریارکوه باستان و کوه شروین قرار دارند. کوه بلندی به نام آرم در شرق خطیرکوه قرار دارد، که بر گذرگاه باستانی تالچ تنگه و تنگ کلیس مشرف است و این کوهستان؛ در سده‌ی ۳ ه.ق. به جبال شروین مشهور بود و در تقسیمات امروزی در دهستان چاشم استان سمنان است. اما در شمال همین منطقه، منطقه‌ی آریم سوادکوه قرار دارد در مجاورت دژ کنگلو، که آخرین آبادی‌های مسکونی شهرستان سوادکوه هم مرز با استان سمنان، در این قسمت است. در گستره‌ی سوادکوه، جای نام‌هایی چون: اوریم، آریم و آرم داریم، که از ریشه‌ی «آرم» پهلوی (پارتی، ساسانی) است و موارد زیادی از دگرگونی و تبدیل (ی) به (کسره) در زبان کهن اوستایی و پهلوی داریم، که گویش تبری هم از همین ریشه است؛ مانند نام دو دودمان کهن: کارین (کارن، قارن)، سورین (سورن) و...^{۱۳}

ابن اسفندیار روایاتی از مجاورت آرم و سرتنگه‌ی کولا نقل می‌کند: «... و اصفهبد از آرم کوچ کرد با سرتنگه‌ی کولا شد،...» (همان، قسم دوم: ۵۳). و در جای دیگر می‌نویسد: «اصهبد شاه غازی با آرم شد و آنجا نتوانست نشست؛ با کردآباد شد بالای تنگه‌ی کولا...» (همان، قسم دوم: ۸۱). میر تیمور مرعشی از مسدود ساختن تنگه‌ی سرکلاه در سوادکوه توسط محمد دیو خبر می‌دهد (مرعشی، ۱۳۶۴: ۳۶). این جای نام تنگه‌ی سرکلاه، همان سرتنگه‌ی کولا می‌تواند باشد، که یقیناً یادآور نام دربندکولا است؛ حالا اگر بپذیریم طاقی که «دژ عایشه گردنه‌گیر» نام داشته، همان دژی است که امروز به غار-دژ اسپهبد خورشید شهرت دارد و در راه دوآب سوادکوه به آریم شهریارکوه و خطیرکوه است، پس دربند کولا هم باید پیرامون همین اثر و با یکی از دربندهای منطقه، همچون تنگ کلیس، دوآب تنگه یا سرتنگه آریم برابری کند.

در کیلومتر ۱۰ پل سفید به ورسک، ضلع شرقی جاده‌ی مواصلاتی سوادکوه -تهران، در منطقه‌ای که جاده‌ی خطیرکوه از جاده‌ی فوق منشعب می‌گردد؛ بقایای

تصویر ۴. نقشه‌ی سوادکوه و موقعیت سرتنگه‌ی (دربند کولا) آرم سوادکوه (سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی). ▼

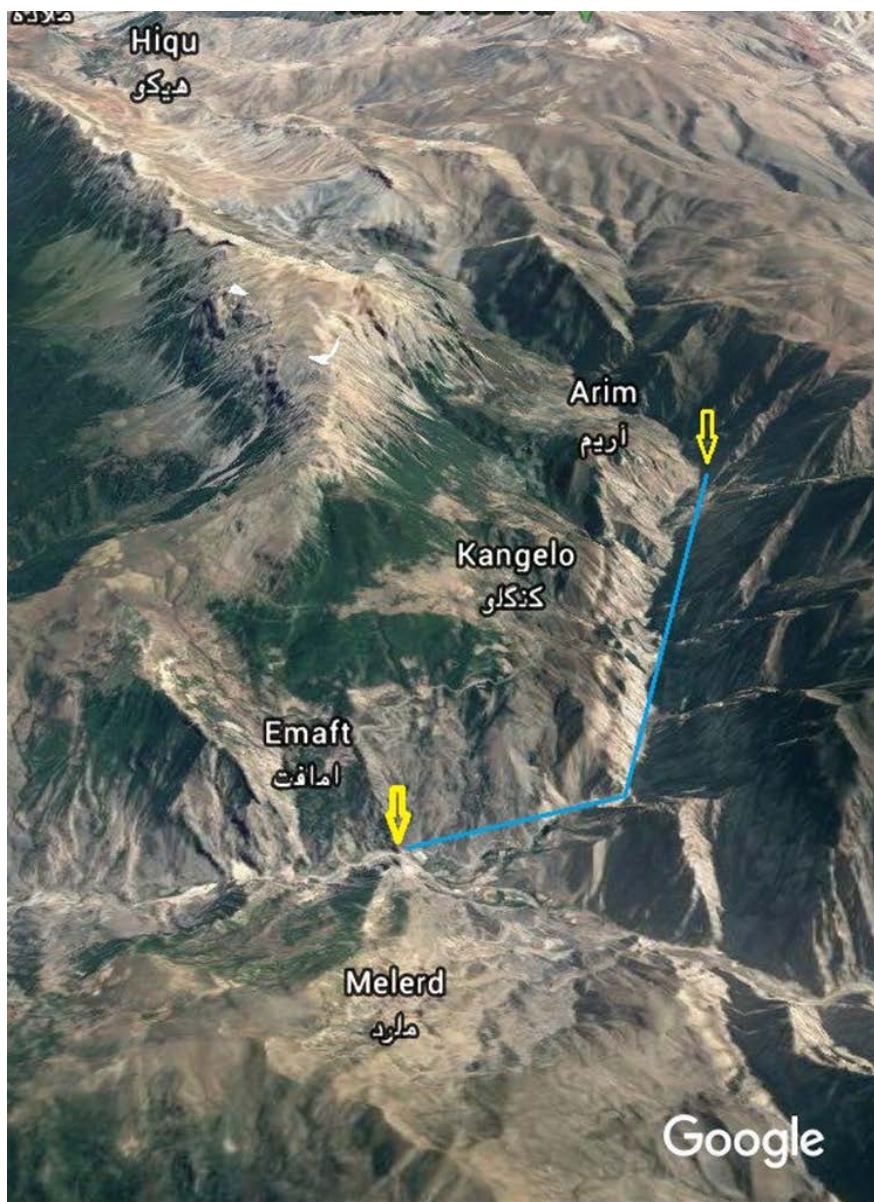


معبری کوهستانی و راهبردی جدا می‌شده است. دژ باج‌گیران بر روی یال کوهی به ارتفاع ۴۰ متر، در دامنه‌ی رشته کوه سرخل، بنا شده و دو رود سولا و عباس‌آباد در فاصله‌ی حدوداً ۱۰۰ متری غرب آن به هم می‌پیوندند، که به همین سبب این منطقه در گویش محلی «دِاو» (De Ou)، یعنی «دوآب» نامیده می‌شود (توفیق، ۱۳۹۵: ۷۳).

این مسیر که در گذشته از دوآب تنگه در کف دره و پایین دست بزرگترین تاق طبیعی - تاریخی دنیا، یعنی دژ طاق (غار- دژ اسپهبد خورشید) می‌گذرد؛ پس از گذشته پیچ و خم‌ها و تنگه‌های تنگی یاغی و نقی یاغی به دربندی بسیار باریک می‌رسد که پهنای آن به اندازه‌ی عبور یک چهارپا است و در رود سولا (کبیر رود) در مجاورت این راه قرار دارد، که در گذشته با طغیان مسیر را منهدم می‌ساخت و بر بدنه‌ی کوه بقایای جاده‌ی سنگ، گچ و چوب بست‌ها همچنان باقی است. نزدیک به ۲ کیلومتر این تنگ هولناک امتداد می‌یابد، تا به سرتنگه می‌رسیم، که دربندی دیگر اینجا قرار دارد. در اینجا نام سرتنگه‌ی آریم (آرم) شکی نمی‌گذارد، که سرتنگه در آغاز راه آریم-کنگلو، همان سردربند کولا است. وجود دو بند در سرتنگه و بُن تنگه در بالا و پایین، مُهر تأییدی بر روایات ابن اسفندیار مبنی بر ساخت دو بند به دست اسپهبد ونداد هورمزد است و ظاهراً این منطقه در زمان ابن اسفندیار به «گوازونو» نامی بوده است. این گذرگاه در حقیقت همان دربند کولا است و شکست لشکر جزار خلفای عباسی به فرماندهی فراشه، در همین تنگ و به دست ونداد هورمزد قارن اسپهبد تبرستان رقم خورده است.

تصویر ۵. دژ دیو سپید (باج‌گیران) و دژ طاق (غار- دژ اسپهبد خورشید یا عایشه گرگیلی دز) در ابتدای راه آرم (دوآب به خطیرکوه) در شهرستان سوادکوه (نگارندگان، ۱۳۹۵). ▼





▲ تصویر ۶. سرتنگه (دریند کولا) به راه آریم سوادکوه (نگارندگان، ۱۳۹۵).

تصویر ۷. نمایی از دریند کولا (سرتنگه) و راه آریم سوادکوه (Google Earth با جانمایی نقاط توسط نگارندگان). ◀

نتیجه‌گیری

باید دانست که متأسفانه با وجودی که دربندها و گذرگاه‌های کوهستانی البرز به‌ویژه تبرستان، اصلی‌ترین عامل در عدم تسخیر این سرزمین و پیروزی البرزنشینان بر بیگانگان بوده، تاکنون هیچ نوشتار یا پژوهشی خاص این ساختارهای طبیعی یا انسانی نشده است. مهم‌ترین تنگ تبرستان، دربندی به نام کولا بود که سال‌ها در بین محققان و پژوهشگران جغرافیای تاریخی و مورخان و باستان‌شناسان جایگاه درست آن ناشناخته بود. برای شناسایی جایگاه دربند کولا در پهنه‌ی البرز شرقی (کوه‌های بخش شرقی مازندران-غربی استان سمنان) درنوردیده شد. پیش از بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی و مقایسه‌ی تطبیقی متون تاریخی با جای‌نام‌های مورد نظر در پژوهش حاضر، پنج مورد را در نظر داشتیم.



▲ تصویر ۸. بقایای راه کهن بر کمره‌ی کوه در راه آریم در نزدیکی سرتنگه‌ی کولا سوادکوه (نگارندگان، ۱۳۸۴).



▲ تصویر ۹. دره‌ی (/ دریوند) باستانی آرم در پایین‌دست روستای کنگلو-آریم (نگارندگان، ۱۳۹۶).

کاتالوگ ۱. مهم‌ترین دریوندهای شناسایی شده در ارتباط با دریوند کولا در البرز شرقی (نگارندگان، ۱۳۹۶) ۱۵.

شماره	نام (تنگ، دریوند، گذرگاه)	موقعیت	مشهورترین اثر باستانی مجاور
۱	تنگ گت پزنگاه هیکو	سوادکوه-چاشم سمنان	گردنه زرنگیس و کجاقعه
۲	تنگ (دریوند) کلیس	سوادکوه-خطیرکوه سمنان	قلعه کلیس
۳	تنگ اردشیرون پرنیت	سوادکوه-جاده خطیرکوه	دژ طاق (غار-دژ اسپهبد خورشید)، قلعه سرخ رز
۴	دریوند سرتنگه آریم	سوادکوه-آریم	دژ طاق (غار-دژ اسپهبد خورشید)، دژ کنگلو
۵	تنگ (دریوند) دوآب	سوادکوه-جاده تهران	دژ طاق (غار-دژ اسپهبد خورشید)، دژ باجگیران
۶	تنگ اسپیدار گله سرخ‌آباد	سوادکوه-جاده تهران	دژ طاق (غار-دژ اسپهبد خورشید)، برج دیوکی
۷	دریوند اوریم	سوادکوه-جاده تهران	دژ اولاد، قلعه گچ سرتامع
۸	دریوند چهل درورسک	سوادکوه-جاده تهران	دژ چهل در، دژ کافرقلعه دل کینگه
۹	دریوند دوگل گدوک	سوادکوه-جاده تهران	دژ کافرقلعه دل کینگه
۱۰	دریوند سرازنا	فیروزکوه-جاده سمنان	سرخ قلعه سرازنا
۱۱	دریوند فیروزکوه	فیروزکوه	دژ فیروزکوه (فیروزه‌کوه)
۱۲	دریوند حبله‌رود	فیروزکوه-گرمسار	دژ استا (استوناوند؟)
۱۳	دریوند کوا	هزارجریب	طاق دیوخانه
۱۴	دریوند لارز	هزارجریب	طاق دیوخانه
۱۵	دریوند متکازین	هزارجریب	غارهای تاریک دره
۱۶	دریوند اوارد	هزارجریب	گورستان نیلا
۱۷	دریوند شمشیرر	هزارجریب	گورستان‌های اشکانیان
۱۸	تنگ شیخعلی تنگه	هزارجریب	منطقه‌ی تاریخی، ارم و زارم
۱۹	دریوند پجیم	هزارجریب	منطقه‌ی باستانی
۲۰	دریوند گؤورد	هزارجریب	قلعه لرد و طاق کینت
۲۱	تنگ حاجی آباد	هزارجریب	منطقه‌ی باستانی
۲۲	تنگ کُندآب	هزارجریب	میل رادکان
۲۳	تنگ سفیدچاه	هزارجریب	گورستان تاریخی سفیدچاه
۲۴	دریوند کاورد	دودانگه-فولاد محله‌ی	قلعه کاورد و قلعه کولیم
۲۵	تنگ تنگه‌لته	پایین کولا-ساری	قلعه پرچی کلا

الف- این‌که در آغاز کار، باید نام کولا را در این صفحات یافت.
 ب- این‌جا نام با توجه به توصیفات و ویژگی‌های یک دریوند، نه در جلگه، بلکه در کوهستان بود.
 پ- کوازونو کجاست؟
 ت- راه آرم کجاست؟
 ث- این دریوند در پایین‌دست تاق عایشه گرگیلی دژ قرار داشته است؛ تاق عایشه گرگیلی دژ کدام است؟
 ج- این دریوند پایین‌دست کردآباد قرار داشت؛ کردآباد کجاست؟
 با توجه به این پنج مورد، سه گزینه که با موارد بالا مطابقت بیشتری داشتند، بررسی گردیدند. گزینه‌ی نخست، تنگ «تنگه لته» در کولای ساری بود، که در پی جستجوی نام کولا به دست آمد. در جنوب شرقی ساری، به روستایی با همین نام برمی‌خوریم، که به دو بخش پایین کولا و بالا کولا تقسیم می‌گردد. با مراجعه به

روستای کولا که در جلگه قرار دارد، مشخص شد، چنین دربندی که با مشخصات مورخین یکی باشد، در اینجا دیده نمی‌شود؛ اما بنا به نظر درویشعلی کولائی‌ان، اگرچه نام تنگه لته یادآور وجود تنگ باستانی در منطقه است، اما این تنگ در جلگه و دشت قرار دارد و دربند نیست. تنگه لته امروزه دهانه‌ای عریض دارد و قابلیت راهبردی خود را از دست داده است.

گزینه‌ی دوم، دربند کوا در هزارجریب بود. با توجه به نبرد ونداد هورمزد در محلی به نام «گوازونو» که در مجاورت دربند کولا قرار داشته، این نام را جستجو کردیم. با بررسی‌ها کوه کلا و آبادی گوا، که در هزارجریب واقع است، وجود دربند کوا (کلا) و همچنین منطقه‌ی ارم در آنجا، گمان یکی بودن دربند کوا با دربند کولا را تقویت کرد؛ یعنی موارد الف، ب، پ و ت، با نگاهی خوشبینانه وجود دارد، اما مورد ث که تا قی با مشخصات و عظمتی که بتواند با گفته‌های ابن‌اسفندیار مطابقت کند وجود نداشت؛ اگرچه چندین غار صخره‌ای مسکونی در آنجا شناسایی شد.

گزینه‌ی سوم، دربندی ناشناخته در مسیر باستانی دوآب به شه‌میرزاد است. ابتدای این دربند با نام «سرتنگه» در آغاز راه فرعی دره‌ی آریم است، که راه مال‌رو قدیمی به روستاهای اِمافت، کنگلو و آریم بود. با بررسی میدانی و نگاره‌های هوایی سرتنگه را برای آغاز دهانه‌ی دربند قرار دادیم. دربند سرتنگه، در جوار رودی قرار دارد، که به «سولا» مشهور است، که بسیار نزدیک به واژه‌ی «کولا» است؛ از سوی دیگر، دربند سرتنگه، خود در ابتدای راه آریم قرار دارد، که همان راه ارم باستانی مدنظر تاریخ‌نگاران تبری است. جای نام کردآباد، که در متون اشاره شده که بالای تنگه‌ی کولا قرار داشت، همان‌ست که امروزه «کردآسیاب» نامیده می‌شود. کوازونو هم به باور نگارندگان بسیار نزدیک به کنگلو هست و امکان دارد این نام در گذر ایام و تلفظ عامیانه به کنگلو تغییر پیدا کرده است. لازم به توضیح است، که با بررسی‌های باستان‌شناسی در این منطقه در دهه‌ی هشتاد تا به اکنون (توسط نگارنده‌ی اول) روشن شد، که «طاق عایشه گرگیلی دز» در قرن هفتم روایت تاریخ تبرستان ابن‌اسفندیار همان «دژ طاق» ایران باستان است، که ابن‌فقیه، بلاذری، محمدبن جریر طبری، یاقوت حموی و... به آن اشاره نموده و به دلیل پناه گرفتن خاندان و حرم اسپهبد خورشید شاه وقت تبرستان، امروزه به «غار-دژ اسپهبد خورشید» شهرت یافته است. پس باید «دربند کولا» هم در پایین دست و جوار این طاق قرار داشته باشد و در راه آریم (ارم باستانی) هست. در نهایت با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب و نتیجه‌گیری پایانی ما حاصل این طرح پژوهشی، ارائه‌ی گزینه‌ی سوم «سرتنگه آریم سوادکوه» به عنوان «دربند کولا» است.^{۱۶}

پی‌نوشت

1. Kūlā
2. Būllā
3. Sūllā

۴. لوسیوس کورنلیوس سولا فلیکس (۱۳۶-۱۳۸) تا (۷۸-۷۹) قبل از میلاد؛ که اغلب با نام «سولا» شناخته می‌شود، ارتشید و سیاستمدار رومی بود. او از معدود کسانی بود که دو بار در کنسول روم حضور داشت و خودکامه‌ی روم گشت. سولا ارتشیدی نابغه، پراستعداد، و بلندپرواز بود که تاکنون هیچ نبردی را واگذار نکرده بود؛ وی مردی شجاع و در عین حال

- مکار بود به همین دلیل شیر-روپاه لقب گرفت. وی از جانب سنا مأمور فتح آسیا شد و در آنجا میتریدات (مهرداد) پادشاه پنتوس را شکست داده و با غنایم بسیار به ایتالیا بازگشت و در سال ۷۹ ق.م مستعفی گردید و سال بعد در سن ۶ سالگی در گذشت.
۵. داشتن ریشه‌ای هندی و زبان سانسکریت برای این پهنه و مردمانش، با متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده، هماهنگی ندارد و صرف داشتن برخی کلمات با ترکیب سانسکریت یا مشابه دال بر انتساب اقوامی از تبرستان به هند نمی‌تواند باشد.
۶. نک به (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۵۶ و ۱۸۵ و ۲۷۰)، (سید ظهیرالدین مرعشی، ۱۳۳۳: ۱۱۱ و ۱۵۸ و ۱۶۴)، (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۳: ۱۲۷ و ۱۸۳ و ۲۱۹ و ۳۷۳)...
۷. (ابن اسفندیار: ۱۷۶)
۸. (همان: ۱۷۹)
۹. (همان، قسم دوم: ۵۳)
۱۰. (همان، قسم دوم: ۴۶)
۱۱. (همان، قسم دوم: ۴۵)
۱۲. این دزا در جنوب ساری که شامل دو بخش پایین دزا و بالا دزا است. در نزدیکی کولا و تنگ لته قرار دارد، شاید بی ارتباط با دز انگنار نباشد و به جای مانده از همان دز انگنار است. (نگارنده)
۱۳. (توفیق، ۱۳۹۶: «کوه قارن»؛ در دست انتشار)
۱۴. همانست که امروزه به کردآسیاب شهرت دارد.
۱۵. نگاه کنید به سامان توفیق؛ «شناسایی و بررسی باستان‌شناسی دربندهای باستانی البرز شرقی»، در حال انتشار.
۱۶. در این نوشتار صرف نظر از تعیین جایگاه دری‌دنگ کولا، شماری از تنگ‌های موجود در منطقه، مانند تنگ چهل در، دری‌دنگ کلیس، و... که جایگاه و داده‌های مرتبط با آن‌ها از نظر اهل تحقیق سودمند و مورد نیاز است، آورده شد و بخش‌هایی از کتاب نگارنده‌ی اول، به نام کوه قارن که در دست چاپ قرار دارد و در باب جغرافیای تاریخی و جای نام‌شناسی بلندی‌های البرز شرقی و آبادی‌های کهن و گمشده‌اش است، در لابلای نوشتار بنا به ضرورت استفاده گردید.

کتابنامه

- ابن اسفندیار، محمدبن حسن، ۱۳۲۰، *تاریخ طبرستان*. به تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: ناشر پدیده خاور.
- ابن حوقل، محمدبن حوقل، ۱۳۴۵، *صورة الارض*، ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن رسته، احمدبن عمر، ۱۳۶۵، *الاعلاق النفسیه*. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۳، *التدوین فی احوال جبال شروین*. به تصحیح: مصطفی احمدزاده، تهران: انتشارات فکر امروز.
- برزگر، اردشیر، ۱۳۸۸، *تاریخ تبرستان*. پژوهش و تصحیح: محمد شکر فومشی، تهران: نشر رسانش.
- توفیق، سامان، ۱۳۹۵، گزارش پروژه‌ی «بررسی و مستندسازی غار-دژ اسپهبد خورشید شهرستان سوادکوه مازندران»، جلد اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، در دست چاپ.
- توفیق، سامان. ۱۳۹۶، *کوه قارن؛ بر مبنای پژوهش‌های میدانی و اسناد مطالعاتی نویافته* (در دست انتشار).
- حجازی‌کناری، سید حسن، ۱۳۷۲، *پژوهشی در زمینه‌ی نام‌های باستانی مازندران*. تهران: انتشارات روشنگران.
- حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۰، *معجم البلدان*، ترجمه‌ی علینقی منزوی. جلد اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- رایینو، هایسنت لویی، ۱۳۴۳، *سفرنامه‌ی مازندران و استرآباد*. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ستوده، منوچهر، ۱۳۶۷، *دژ استوناوند*. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی جهانگیری، چاپخانه ی گیلان.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۷۵، *ز آستاراتا/ استاریاد*. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
- سورتیجی، سامان، ۱۳۸۱، *قلاع باستانی مازندران*. انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، ۱۳۴۶، *آداب الحرب و الشجاعه*. به تصحیح و اهتمام: احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکاء.
- عسکری، علی بابا، ۱۳۵۰، *بهشهر (اشرف البلاد)*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی ایران چاپ.
- کولائیان، درویشعلی، *تارنمای شخصی درویشعلی کولائیان (تاریخ آخرین دسترسی، آبان ۱۳۹۴)*.
- کویر، محمود، ۲۰۱۱ م.، *بر ببال سیمرغ*. جستارهایی درباره‌ی شاهنامه فردوسی، آلمان: نشر آیدا.
- مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین، ۱۳۳۳. *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به تصحیح و اهتمام: عباس شایان، تهران: چاپخانه فردوسی
- مرعشی، میر ظهیرالدین، ۱۳۴۵، *تاریخ تبرستان و رویان و مازندران*، به تصحیح: محمدجواد مشکور، تهران: چاپخانه خرمی.
- مرعشی، میر تیمور، ۱۳۶۴، *تاریخ خاندان مرعشی*، به تصحیح: منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مهجوری، اسماعیل، ۱۳۸۱، *تاریخ مازندران*. جلد اول، تهران: انتشارات توس.
- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، ۱۳۵۲، *تاریخ خانی؛ شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۱۱۸۰ تا ۹۲۰ ه.ق.* تصحیح و تحشیه از: منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.